

پارسی سرایان بام ایران

کتاب حاضر شامل آثار و زندگی‌نامه ۵۸۳ تن از شعرای چهارم‌حال و بختیاری است. این استان که مردمانش در شجاعت، تیراندازی، سوارکاری، مرزداری، وطن‌پرستی، دیانت و امانتداری مشهور و معروف بوده و هستند، از لحاظ شعر و ادبیات نیز دارای فرهنگی غنی و پربار می‌باشد اما به علت کم‌توجهی و عدم انتشار و یا به علت از بین رفتن بعضی مکتوبات و دواوین آنها از بنیان‌گزاران شعر و ادب خطه چهارم‌حال و بختیاری نام و نشان آنچنانی وجود ندارد و آنچه از آثار و هویت شعرای این محل بجای مانده مربوط به دوران صفوی و پس از آنست.

در دوران قاجاریه شعرای فراوانی در چهارم‌حال و بختیاری ظهور نموده که از حمایت مادی و معنوی ایلخانان و حاکمان محلی برخوردار و بعضاً به دربار نیز راه یافته و اشعاری سروده‌اند، در این دوران تقریباً در هر قصبه و روستای چهارم‌حال و بختیاری شاعر یا شاعرانی به منصفه ظهور رسیده‌اند و اشعاری در قالب غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، دو بیتی، رباعی و غیره سروده و یا به شیوه و زبان محلی روستا و زادگاه خود اشعاری بجا گذاشته‌اند، شعرای بختیاری به هر دو زبان فارسی و لری بختیاری اشعاری نغز و شیوا سروده‌اند که فصاحت، زیبایی و لطافت زبان و روح ایللی در اشعارشان متبلور است و تعدادی از آنها هم صاحب دیوان بوده و از معروفیت خاصی برخوردارند.

شعرایی که در این مجموعه معرفی شده‌اند همه در یک سطح نبوده و میزان توانایی و قدرتشان در شعرسرایی بر یک پایه و رتبت نیست و تعداد اندکی از این شاعران شهرت ملی دارند. یکی از مشهورترین شاعران این خطه عمان سامانی است که سخنوری بوده کامل و عارفی عاقل که آثار او عبارتند از: گنجینه‌الاسرار، مخزن‌الدرر، معراج‌نامه، دیوان غزلیات و قصاید. چند بیتی از گنجینه‌الاسرار سامانی را در اینجا می‌آوریم:

کیست این پنهان مرا در جان و تن

کز زبان من همی گوید سخن

این که گوید از لب من راز کیست

بنگرید این صاحب آواز کیست

در من اینسان خودنمایی می‌کند

ادعای آشنایی می‌کند

کیست این گویا و شنوا در تنم

باورم یارب نیاید کاین منم

متصل تر با همه دوری بمن

از نگه با چشم و از لب با سخن

خوش پریشان با منش گفتارهاست

در پریشان گویش اسرارهاست

درست است.

صفحه ۱۶۶، در دو بیت:

«به درس آدم تدریس علم‌الاسماء

به علم احمد و تعلیم علم القرآن

به پنج نوبت احمد درین سپنج سرای

به چار بالش عیسی برین بلند مکان

در مصراع اول «درس آدم و تدریس...» و در مصراع

چهارم «بر آن بلند مکان» درست است.

صفحه ۱۶۸، در بیت «مدار دور فلک باد در تصرف

تو چنانکه گردش و در تصرف چوگان» مصراع دوم

«گردش گو» درست است.

صفحه ۱۶۸، یکی از قصاید زیبای سلمان با مطلع

«نسیم صبح سلام به دلستان برسان» که به پیروی از

کمال‌الدین اسماعیل و ظهیر فاریابی سروده، آمده

است، متأسفانه اغلب ابیات این قصیده ضبط نادرست

دارد که در ذیل به برخی از آن موارد اشاره می‌کنیم:

در بیت «به هم‌رهیت روان را روانه خواهیم کرد

روانه کرد بجائان روان روان برسان» مصراع دومش باید

چنین ضبط شود «روانه کرد به جائان روان، روان

برسان»

در بیت «هزار قصه رسیدست زمن به گوش به گوش

وگر مجال نباشد یکی از آن برسان»

در مصراع اولش «به گوش، بکوش» درست است.

در بیت

«نسیمی از سرزلفش بیار و جان بستان

به پایمرد بگویم به رایگان برسان»

ضبط صحیح مصراع دومش اینگونه است «به

پایمزد، نگویم به رایگان برسان».

همان قصیده صفحه ۱۷۰، بیت «به چرخ گو که

قضیب سمند سلطان را ز دخل سنبله بر دوش کهکشان

برسان» در مصراع اولش «قضیب» خطاست و «قضیم»

به معنی علف و چو ستور، درست است.

صفحه ۱۷۱ همان قصیده، در بیت

«به گرم عدل تو گفت از پی خوش آمد میش

بدوش پر، بره را بر شبان برسان» شکل درست

مصراع دوم آن چنین است «به دوش بر بره را تا بر شبان

برسان» باز همان صفحه و همان قصیده، در مصراع:

«صبا برای خدا هیچ اگر مجالی اقتد» که «مجال»

خطاست و «مجال» درست است.

باز همان صفحه و همان قصیده در مصراع «دعای

من به جناب یکان یکان برسان» که «جناب» خطاست

و «جنابش» درست.

صفحه ۱۷۱ در قصیده‌ای که تحت تأثیر

کمال‌الدین اسماعیل سروده است و در وصف زورق

است، می‌گوید

«معدۀ او بگذارند سنگ خارا ز سنگ

لیک آب خوشگوارش بر مزاج آید گران»

که ضبط مصراع اول خطاست و درست آن چنین

است «معدۀ بگذارند سنگ خارا را سبک».

صفحه ۱۷۳، در بیت:

«شیر گردون بیشه گر بر مرغزارت بگذرد

از صفای شیر حوضت شیر آرد در دهان»

که درست مصراع دوم چنین است: «از صفای شیر

حوضت آبش آید در دهان» که اتفاقاً نسخه بدل هم

همین ضبط را تأیید می‌کند.

در صفحه ۱۷۷، در بیت:

«با محیط دست در پایش جواد او چرا

ابرش ابر آبخور سازد ز دریای عدن؟»

که درست مصراع اول چنین است «با محیط دست و

دریای جواد او چرا»

در صفحه ۱۸۹، در بیت:

«آسمان با سینۀ پر آتش و پشتی دوتاه

شد به های‌های گریان بر سر بیرامشاه»

که در مصراع دوم، «های‌های» درست است.

در همان صفحه، در بیت:

«در میان خاک پنهان چون تواند دیدنش

آنکه نتوانست دیدن کرد مشکین گرد ماه؟»

که ضبط صحیح مصراع دوم چنین است «آنکه

نتوانست دیدن گرد مشکین گرد ماه» و باز هم در همان

صفحه در مصراع «بر سرش روحانیان فریاد و زاری

می‌کشند» «فریاد و زاری می‌کنند» درست است.

در صفحه ۴۰۱، بیت:

«باز چون امروز دریایم که فردا بامداد

هر که خواهد جست خواهد یافت در زندان مرا»

ضبط صحیح مصراع اول چنین است: «باز چو امروز

و دریایم که فردا بامداد».